

## و نقد بخشی از نظرات فردریش زاره

رحمان شاه محمد اردبیلی

### چکیده:

در بیان وضعیت گذشته بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، کلیه توصیفاتی که به عمل آمده است، توصیفاتی مکتوب بوده و به غیر از معدودی طرح که موقعیت بقعه را معلوم و مشخص می‌کند، طرح مبسوط خاصی در دست نیست. طرحی که آدام اولناریوس سفیر امپراطوری هولشتین، از اردبیل و به تبع آن از این بقعه ارائه داده است، اولین طرحی است که از این مجموعه در دست است. استخراج اطلاعات تصویری این طرح در رابطه با موقعیت جغرافیائی اردبیل و به تبع آن موقعیت استقرار برخی ملحقات بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در زمان شاه صفی در قرن 17 میلادی مورد توجه این مقاله است.

**واژگان کلیدی:** بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، اردبیل، آدام اولناریوس، معماری.

### مقدمه:

در طی سالیان متمادی که از عمر اردبیل، این شهر کهن می‌گذرد، بسیاری از سیاحان و گردشگران به این دیار آمد و شد کرده و هر کدام به فراخور دیده‌ها و شنیده‌ها و توانائی‌های خود، به روشی متفاوت و با شناخت خاص خود اقدام به توصیف آن نموده‌اند.

آنان که دستی بر قلم داشته‌اند با نوشته و یادداشت و نامه، و آنان که شناختی از هنر داشته‌اند با طرح و رنگ و عکس آن را توصیف کرده‌اند. این آثار، گاه جلوه‌ی هنری داشته‌اند و گاه با مقصدی علمی و حتی نظامی به وجود آمده‌اند. آثار برجای مانده در این باب، هرکدام به نوعی در رابطه با چگونگی شرایط و ویژگی‌های اردبیل سخن گفته‌اند. هرچند تعداد این آثار چندان زیاد نیست، اما آنچه که به دست ما رسیده است آن قدر هست که بتوان در آن‌ها تأمل کرد و بهره‌هایی ارزشمند برداشت.

نگارنده در پژوهشی میدانی، ضمن جمع‌آوری برخی از آثار تصویری به‌جای مانده از بافت شهری اردبیل در طی 400 سال گذشته، روشی خاص را در تجزیه و تحلیل این آثار به‌کار برده است. حاصل این پژوهش، احیاء نقشه‌ی اردبیل در دوره‌ی شاه صفی به سال 1637م. بوده و قابلیت انطباق با نقشه‌های معاصر را داشته و توانائی شناسائی بافت شهری و گسترش جغرافیائی اردبیل در آن دوره را در اختیار علاقمندان و محققان قرار می‌دهد.

نقشه‌ی ترسیم شده توسط نگارنده، این امکان را فراهم می‌سازد که موقعیت استقرار بناها و اجزاء شهری را که در زمان ترسیم موجود بوده و هم‌اکنون اثری از آن‌ها باقی نیست، شناسائی نموده و در مورد ویژگی‌های خاص برخی از آن‌ها اطلاعاتی به‌دست آوریم.

در راستای این پژوهش میدانی، آثار متعددی را مورد ارزیابی قرار داده شد. به عنوان نمونه طرح‌ها و تصاویر ذیل، مواردی هستند که در بررسی‌های به عمل آمده مورد توجه نگارنده بوده‌اند.

جدول - 1

نام	ملیت	دوره/ سال	ناماثر	توضیح
		قمری/ میلادی		
پیتر و دلاواله	ایتالیا	1618/1027	1- سفرنامه‌ی پیتر و دلاواله 2- طرح‌های ضمیمه	از بین رفته
آدام اولناریوس	هولشتین	1637/1047	1- سفرنامه‌ی آدام اولناریوس 2- چشمانداز شهر اردبیل	ضمائم سفرنامه <sup>1</sup>
کورنلیوس دبرایان (لوبراون)	هلند	1681/ 1113	1- سفرنامه‌ی کورنلیوس دبرایان 2- چشم‌انداز شهر اردبیل	ضمائم سفرنامه
آلین مانسون مالت	فرانسه	1683/ 1115	چشم‌انداز شهر اردبیل	3 طرح مشابه <sup>2</sup>
نظامیان	روس	1827/ 1242	نقشه‌ی جغرافیائی	-
نظامیان	ایران	1928/ 1307	نقشه‌ی جغرافیائی	-
ژاک دومرگان	فرانسه	1314 تا 1331 / 1897 تا 1913	عکس بناهای مهم اردبیل	-
فردریش زاره	آلمان	1897/ 1314	1- کتاب بناهای یادبود هنر معماری ایران 2- عکس بناها 3- نقشه‌های مرتبط با بقعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی	ضمائم کتاب
برونو شولتس	آلمان	1897/ 1314	نقشه‌ها طرح‌های مرتبط با بقعه‌ی شیخ صفی‌الدینارد بیلی	و ضمائم کتاب بناهای یادبود هنر معماری ایران
پروفسور قیاسی	ایران	1991/1369	نقشه‌ی جغرافیائی	-
نظامیان	ایران	1956/ 1335	عکس هوایی <sup>3</sup>	-

باید توجه داشت در چنین بررسی‌هایی، برخی از آثار از قابلیت بیشتری نسبت به سایر آثار مشابه برخوردارند. درحالی که برخی دیگر ابداً اعتباری نداشته و ممکن است محقق را به گمراه سازند. برای مثال؛ طرح‌های منضم سفرنامه‌ی پیتر و دلاواله هیچ اعتبار و ارزشی برای استناد ندارند چرا که اولاً نقاشی که به همراه وی عازم سفر بوده بعد از مدتی کاروان همراه دلاواله را ترک کرده و حتی تصویر همسر وی را نیز ناقص رها کرده است. ثانیاً طرح‌های این

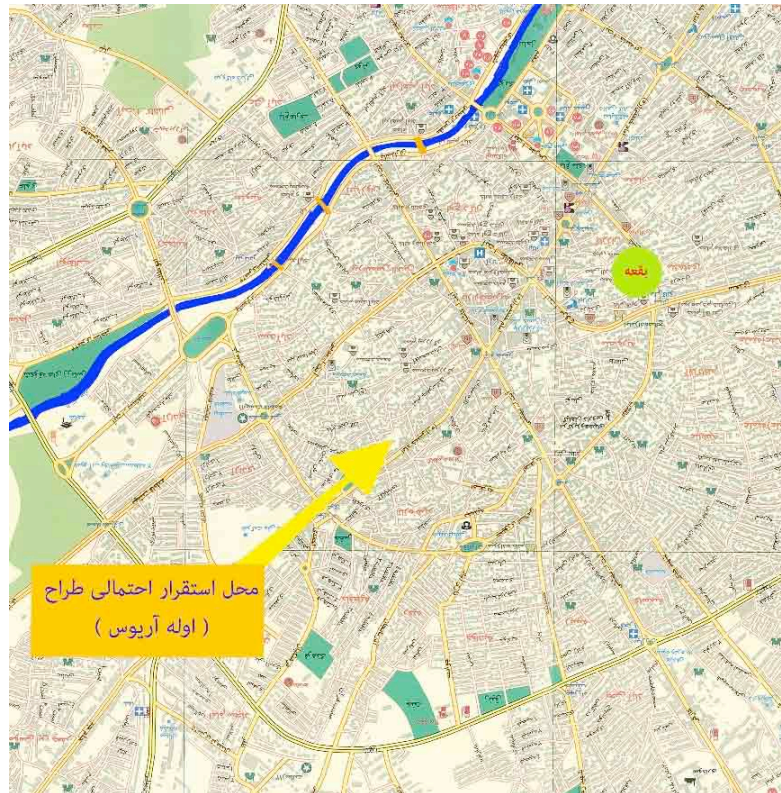
سفرنامه، بعد از مرگ دلاواله، به دست نقاشی سپرده شده‌اند تا با خواندن نوشته‌های دلاواله و به اعتبار تخیل و تجسم خود طرح‌هایی را ترسیم و به کتاب مزبور اضافه نمایند.<sup>4</sup>

در این بین طرح آدام اولناریوس از جایگاه ویژه و خاصی برخوردار است. طرحی که اولناریوس در سال 1637 م. از اردبیل مورد بازدیدش ترسیم کرده، چشم‌اندازیست که با دید پرنده و از فاصله‌ای دور و خارج از شهر کشیده شده است و در برخی موارد از دقتی تحسین برانگیز برخوردار است.



تصویر - 1

طبق بررسی‌های به عمل آمده، موقعیت استقرار وی به ظن قوی، شمال شرقی شهر بوده و روبه جنوب غربی شهر و احتمالاً در محلی همانند مکان فعلی چهارراه ژاندارمری مستقر شده و رو به بقعه‌ی شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی و میدان بزرگ اردبیل نشسته و آن‌ها را در مقابل خود و تقریباً در مرکز شهر نظاره کرده و طرح را ترسیم نموده است. احتمال دیگر در مورد محل استقرار وی، فاصله‌ای دورتر از مکان یاد شده و بر روی بلندایی خارج از محدوده‌ی شهری بوده و با ابزارهای اپتیکی مانند دوربین چشمی و نظایر آن به نظاره‌ی شهر پرداخته و با حفظ زاویه‌ی دید یاد شده (شمال‌شرقی به جنوب‌غربی)، نقشه را ترسیم نموده است. تصویر - 2



تصویر - 2

میزان دقت او در ترسیم برخی از جزئیات به حدی بوده است که در برخی از موارد می‌توان به داده‌های این طرح به عنوان سندی معتبر استناد کرد. برای مثال؛ رسم گنبد و مناره‌ی مسجد آدینه (جمعه مسجد) که به صورت سالم ترسیم شده است، سندی است از تخریب این مسجد در تاریخی بعد از سال 1637م. از طرف دیگر برخی از بناها و اجزاء شهری که در این طرح کشیده شده‌اند در حال حاضر به‌طور کلی از بین رفته‌اند و با بررسی طرح مزبور می‌توان اطلاعات نسبتاً دقیقی از آن‌ها به دست آورد که این خود امتیازی برای این طرح محسوب می‌شود.

اولناریوس همراه با این طرح و سایر طرح‌هایی که کشیده، سفرنامه‌ای نیز نوشته است که انطباق اطلاعات تصویر با سفرنامه می‌تواند کمک شایان توجهی در تفسیر و تحلیل طرح مزبور در اختیار ما قرار دهد. همچنین ارائه‌ی راهنمایی دقیق برای طرح مورد نظر، ارزش این طرح را صدچندان می‌افزاید.

لازم به یادآوری است که طرح‌هایی مانند آثار کورنلیوس دِ برابان (لوبرن) و آلین مانسون مالت، بر اساس طرح اولناریوس کشیده شده و اطلاعات وی را با اندکی دخل و تصرف ارائه می‌کنند. البته نباید فراموش کرد که در طرح‌های اخیر نکاتی قابل ذکر برای بررسی یافت می‌شود که نباید از نظر دور داشت.

نکته‌ی آخر این‌که، فردریش زاره در کتاب بناهای یادبود هنر معماری ایران (1910 برلین)، بخشی را به بقعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی اختصاص داده<sup>5</sup> که به‌منظر میرسد در بیانات وی مغایرت‌هایی وجود دارد، نقد بخشی از نظرات زاره در تطبیق با طرح اولناریوس، بخش عمده‌ای از این مقاله را به خود اختصاص داده است.

## اصول و روش تجزیه و تحلیل طرح:

بررسی‌های انجام گرفته درباره‌ی این طرح بر اصول زیر استوار بوده است.

- 1- کنکاش در طرح‌های موجود و مقایسه‌ی آن‌ها، و مطابقت با متون و شواهد مکتوب
- 2- بهره‌مندی از یافته‌های باستان‌شناسی<sup>6</sup> و معماری<sup>7</sup>
- 3- پرهیز از قضاوت‌های عجولانه
- 4- ضمیر عایت‌مورد فوق‌اصول علم‌پتر اخی، علی‌الخصوص علم‌مناظر و مرآی‌دور از توجه نبودن دست‌آورد‌های این مطالعات با روش‌های علم‌پتر اخی مطابقت داده شده است.

## ویژگی‌های نقشه‌ی آدم اولناریوس<sup>8</sup> از اردبیل:

طرح اولناریوس به چگونگی استقرار 33 مورد از اجزاء شهر اختصاص دارد که به طور مشخص به آن‌ها اشاره و به صورت راهنمای نقشه ذکر شده است. این جزئیات عبارتند از:

ذکر نام 6 محله و خیابان اصلی - ذکر نام 4 محله یا خیابان کوچک (فرعی) - ذکر نام 6 میدان - ذکر نام 3 بنای مهم تاریخی و قدیمی و مقدس - مشخص کردن 8 مورد از مکان‌های خدمات شهری و حکومتی مانند حمام‌ها و کاروانسراها و ...

ضمناً عنوان 4 مورد از اجزاء مهم شهری نیز در متن نقشه ذکر شده است که 3 مورد آن اختصاص به ذکر نام 3 جاده‌پارتباطی، و 1 مورد به مشخص کردن محل کانال آب زیرزمینی است که مجموع اطلاعات مندرج در این نقشه را به 37 مورد می‌رساند. ترجمه‌ی دقیقی که از این راهنما توسط نگارنده<sup>9</sup> به عمل آمده است، اسامی زیر را برای شناسایی جزئیات اردبیل در 1637م. به مخاطبان می‌نماید.

دروازه - تابار - نیاردور! - کومبالان - گازیرکوچه - بایندرخان - کمانگر - دگمه‌دگلور - اورومیمحله - هشت پل - پلحیدرآلی - پل یعقوبیه - پل کابانان! - پلهفتان - میدانمیوس! - میدانفتونمکو ... - میدانکوتفروش - بازارکالا - قیصریه - بازار - شیخ‌صفی و مدفن خانواده‌ی سلطنتی - مسجد امامزاده - مسجد آدینه - ضرابخانه - منزل [خانه] خانیش - منزل [خانه] ساروخوجا - مهمان‌خانه‌دار الشفاء (بیمارستان) - مزارستان - حمام - کاروانسرا - راه کلخوران - راه شامسبی - راه تببیزیوم! - کانال آب زیر زمینی

اولناریوس در سفرنامه‌ی خود به توصیف برخی از 37 مورد ذکر شده پرداخته و جزئیات بیشتری را در اختیار ما قرار می‌دهد اما به هیچ‌کدام از بناها به اندازه‌ی بقعه شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی نپرداخته است. وی ضمن ارائه‌ی طراحی موقعیت استقرار بقعه در طرح خود، توصیف دقیقی از آن را نیز در سفرنامه‌ی خود ذکر کرده است که به مذاق محقق چون فردریش زاره خوش آمده است. زاره تلاش کرده است تا با اتکا به توصیفات سفرنامه و طرح مزبور و تطبیق آن‌ها با مشاهدات خود، به شرحی دقیق و کارشناسانه از بقعه که آن را مسجد می‌نامد بپردازد.

### مقایسه توصیفات آدام اولناریوس و فردریش زاره از موقعیت بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی:

زاره در رابطه با طرح اولناریوس از بقعه‌ی شیخ‌صفی (که آن را مسجد می‌نامد) چنین می‌نویسد: حیاطها و ساختمان‌ها در طرح اولناریوس در ارتباط با یکدیگر به‌طور نادرستی ترسیم شده‌اند. چندان‌که این نقشه در این‌باره نمی‌تواند چندان اعتباری داشته باشد. (زاره فردریش، ص 22) با این‌حال نوشته‌ها و جزئیات سفرنامه را مدّ نظر قرار داده و صفحاتی از کتاب خود را به ذکر نوشته‌های سفرنامه و تدقیق در جزئیات توصیف اولناریوس از بقعه‌ی شیخ‌صفی می‌پردازد. اختلافات قابل توجه برداشت‌های زاره از توصیفات اولناریوس در تطبیق با نقشه‌ی وی به شرح زیر است:

### الف-توصیفات اولناریوس و زاره از میدان بزرگ اردبیل:

اولناریوس در سفرنامه خود می‌نویسد: در کنار میدان بزرگ شهر مزار شیخ صفی‌الدین واقع شده است که قبور سلاطین اخیر صفوی نیز در آنجا واقع است. (اولناریوس آدام، سفرنامه، ترجمه‌ی حسین کردبچه، ص 495) این شهر دارای میدان بزرگ و گردش‌گاه و محل خرید است که در حدود 300 قدم طول و نصف این مقدار عرض<sup>10</sup> دارد ... در مدخل میدان، سمت راست و در کنار مزار شیخ صفی‌الدین، امام‌زاده‌ای واقع است. (همان ص 494)

در قیاس با مطلب فوق و در رابطه با میدان واقع در نزدیکی بقعه، فردریش زاره چنین می‌نویسد: در جلوی محدوده‌ی اصلی مسجد(بقعه) فضائی مربع شکل قرار دارد که میدان بازار نامیده می‌شود و هر ضلع آن 50 متر طول دارد. (زاره فردریش، بقعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، ص 24)

با توجه به توصیفات فوق و تصویر زیر، دو مورد از مغایرت‌های مورد توجه ما آشکار می‌شود.

اولاً؛ میدان مورد نظر اولناریوس مستطیلی است که حداقل 2 برابر میدان مربع شکل مورد نظر فردریش زاره می‌باشد و در حدود 100 متر طول و 50 متر عرض دارد درحالی که میدان مورد نظر زاره مربعی به ابعاد 50×50 متر است.



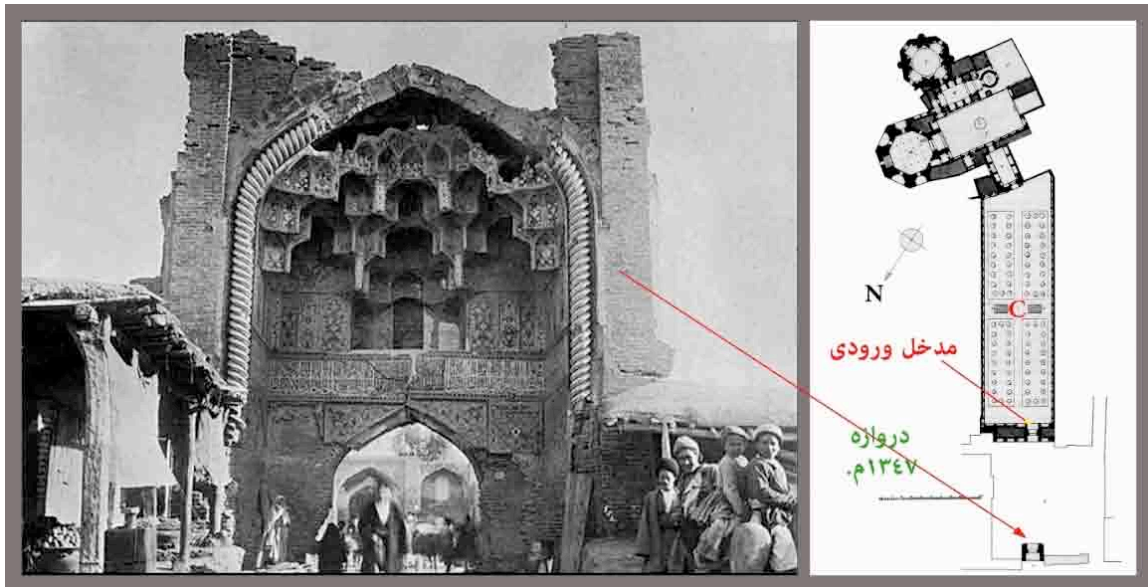
تصویر - 3

ثانیاً؛ اولناریوس مزار شیخ صفی را در کنار میدان توصیف کرده و البته در طرح خود نیز میدان و بقعه را در نزدیکی هم ترسیم نموده است، نه در امتداد هم. در حالی که میدان مورد نظر زاره در جلوی بقعه و در امتداد حیاط ورودی بقعه واقع بوده است. تصویر فوق‌رابطه‌ی بقعه و میدان را به وضوح نشان می‌دهد. تصویر - 3

در این تصویر X نشان‌دهنده محل بقعه و Q نشان‌دهنده موقعیت میدان نسبت به بقعه می‌باشد و Y نشان‌دهنده موقعیت استقرار امامزاده در گوشه جنوب غربی میدان است.

#### ب- دروازه اول بقعه از نظر اولناریوس و فردریش زاره:

فردریش زاره موقعیت دروازه‌ی اول بقعه را چنین شرح می‌دهد: در وسط ضلعی که رو به شمال غرب است، دروازه‌ی قدیمی با عظمتی برپاست که بخش بیرونی و رو به شهر آن تزئینات بسیاری دارد ... کتیبه‌ای حکایت از آن دارد که این دروازه در سال 1057ق. / 1347-48م. در زمان حکومت شاه عباس دوم به دست سنگتراشی به نام اسماعیل، از اهالی اردبیل، تکمیل شده است. (زاره فردریش، ص 24) تصویر 4.



تصویر - 4

همان طور که در تصویر نیز مشخص است، این دروازه به موازات مدخل ورودی بقعه بوده است. مدخلی که در حال حاضر نیز پابرجاست و به عنوان اولین درب ورودی به بقعه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

زاره در ادامه می‌افزاید: در قسمت روبروی میدان در محور دروازه، مدخل اصلی قرار دارد. این دروازه به اولین سرسرای مشجر (C) منتهی می‌شود. سپس می‌افزاید: ... براساس گزارش‌های مسافران، این در به وسیله‌ی دو رشته زنجیر افقی و عمودی، مسدود می‌شده است. آن‌گاه از قول اولناریوس می‌نویسد: ... این زنجیرها اهدائی خان مراغه و از نقره بوده [و یا به قول تاورنیه] از آهن بوده. (همان، ص 25)

علی‌رغم این‌که زاره برداشت خود از وضعیت این مدخل را به توضیحات اولناریوس نسبت می‌دهد، اما طرحی که اولناریوس در رابطه با مدخل ورودی بقعه ترسیم کرده است به گونه‌ای دیگر بوده و توضیحات وی نیز با آنچه که زاره می‌پندارد متفاوت است. اولناریوس می‌نویسد: در مدخل ورودی به مزار، دروازه‌ی بزرگی قرار داشت که بالای آن زنجیر بزرگ نقره‌ای آویخته بودند. این زنجیر سنگین وزن و گران‌قیمت را خان مراغه "آقاخان" تقدیم مزار کرده بود. (اولناریوس آدام، سفرنامه، ترجمه کردبچه، ص 495)

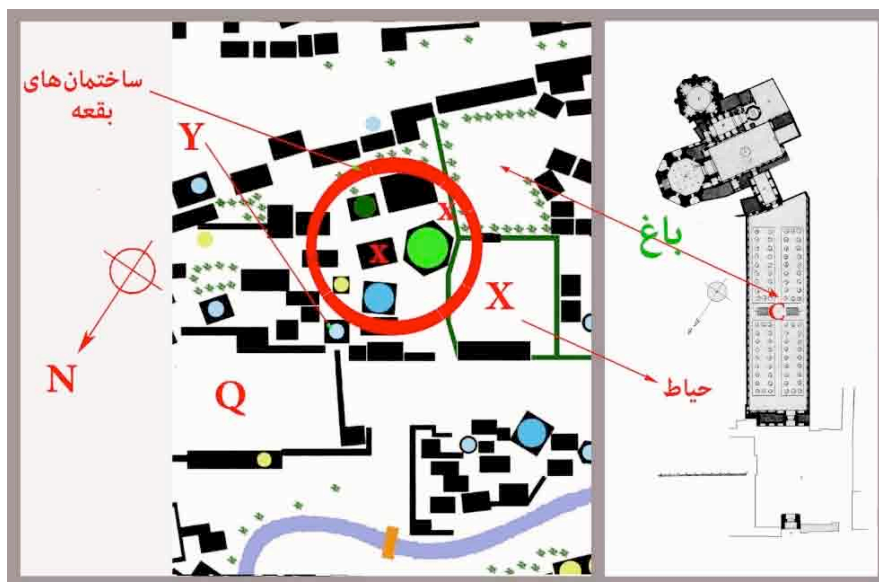
اولاً همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد اولناریوس حیاط را در جنب بقعه به تصویر کشیده است، نه در امتداد آن. ثانیاً مدخل ورودی مورد نظر اولناریوس دروازه‌ای بزرگ توصیف شده است در صورتی که مدخل ورودی مورد نظر زاره، چنان دروازه‌ای نیست که عبارت بزرگ در مورد آن صدق کند. ثالثاً زنجیری که اولناریوس وصف می‌کند بر بالای در آویزان بوده است در حالی که زاره به مسدود شدن در توسط زنجیر اشاره دارد. در حالی‌که در توصیفات وی که اولناریوس از زنجیر مزبور نموده است، به آویزان بودن زنجیر اشاره شده، نه به مسدود بودن ورودی بقعه با زنجیر. (رجوع به تصویر - 7) رابعاً اولناریوس بعد از درب ورودی اول وارد حیاطی می‌شود که با سنگ‌هایی مربع شکل فرش شده بوده است در حالی که محوطه‌ی مورد اشاره‌ی زاره سرسرای مشجر توصیف شده است. (رجوع به تصویر

(2 -



### ج - توصیف باغ بقعه شیخ صفی‌الدین توسط آدام اولناریوس و فردریش زاره:

اولناریوس به باغ بزرگی در پشت حیاط اشاره می‌کند که هر کس می‌توانست در آن رفت و آمد کند. (اولناریوس آدام، سفرنامه، ترجمه‌ی بهپور، ص 126) در حالی‌که فضای مشجر (باغ) C مورد نظر زاره فضائی تقریباً مسدود بوده و چنین باغی را در ذهن متبادر نمی‌کند. تصویر 5- مقایسه‌ای بین باغ مورد نظر فردریش زاره و اولناریوس می‌باشد.



تصویر 5 -

زاره محوطه‌ی باغ را چنین توصیف می‌کند: در داخل بنا، چندین پله به باغی که در پائین قرار دارد. یعنی فضای وسیعی منتهی می‌شود که کاملاً متقارن نیست و طول سمت ورودی آن به 27 متر می‌رسد در حالی که در یک سمت 89 متر و در سمت دیگر 100 متر طول دارد. (زاره فردریش، ص 25)

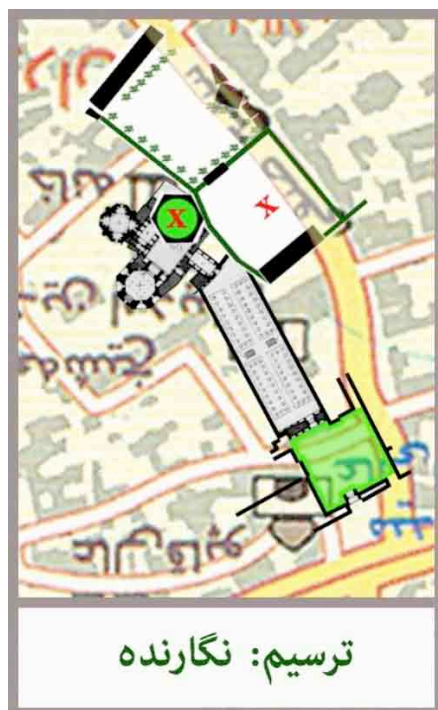
مسلماً زاره به همان حیاطی اشاره می‌کند که هم‌اکنون به عنوان محوطه‌ی ورودی بقعه مورد استفاده قرار می‌گیرد. وی در ادامه می‌نویسد: بنای این در با همان غرفه‌ها، هم به داخل و هم به میدان باز می‌شود و به خاطر "طاقی‌های نوکتیز" بلند (اولناریوس) غرفه‌های مسطح یک‌سان، [در] هر دو طول حیاط قسمت‌بندی شده‌اند... که در این حیاط بقالی‌های کوچک و مغازه‌های لباس‌فروش وجود داشته که در آن‌ها مواد غذایی ساکنان مسجد ... عرضه می‌شده‌است. (همان، ص 25)

این توصیف هیچ انطباقی با توضیحات اولناریوس ندارد. اولاً؛ اولناریوس به حضور دست‌فروشی در دو طرف حیاط اشاره دارد نه مغازه. ثانیاً؛ اولناریوس محل استقرار دست‌فروش‌ها را، چنان‌که پیشتر نیز اشاره شد، چنین بیان می‌کند: درمداخل ورودی به حیاط مزار دروازه‌ی بزرگی قرار داشت که بالای آن زنجیر بزرگ نقره‌ای آویخته بودند ... در دو طرف آن طاق‌نماهایی وجود داشت که در زیر آن‌ها عده‌ای خرده فروش اشیاء خود را برای فروش عرضه می‌کردند و در انتهای حیاط دری بود که به طرف باغ بزرگ و زیبایی منتهی می‌شد.

با مقایسه‌ی این دو توصیف می‌توان نتیجه گرفت که دست‌فروش‌ها داخل محوطه‌ی مشجر (C) / باغ نبوده‌اند و در کناره‌های حیاط اول استقرار داشته‌اند. این مسئله برداشتی نادرست از طرف زاره است که با ساختمان باغ نیز مطابقت نیست. درحالی‌که طرح اولناریوس، حیاط و باغی مجزا را به نمایش گذاشته و معرفی می‌کند.

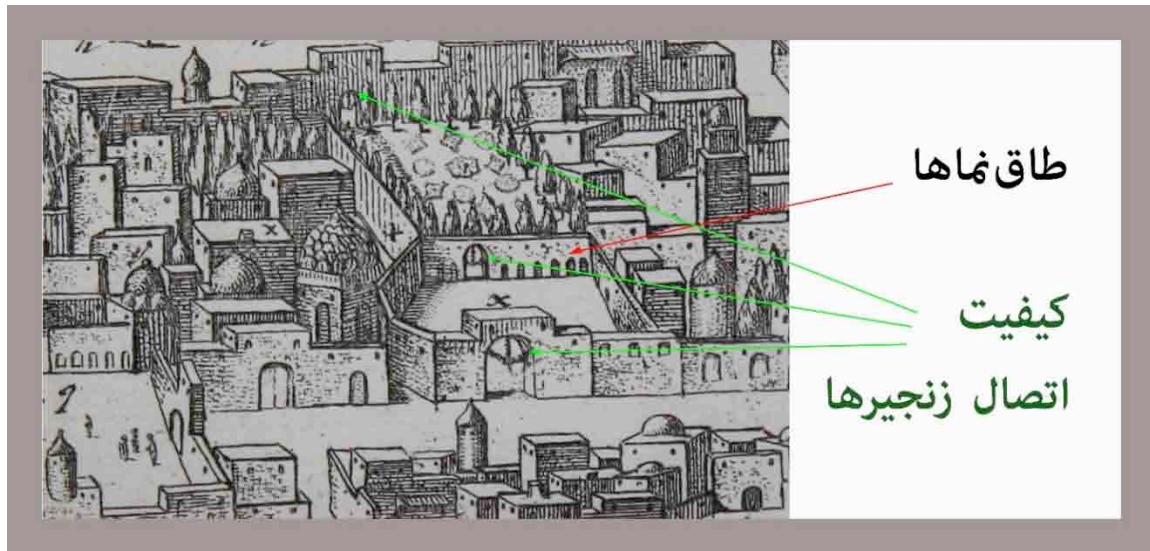
فردریش زاره در ادامه می‌افزاید: ... احتمالاً این محوطه در ابتدا به دو بخش شمالی بزرگ‌تر و جنوبی کوچک‌تر تقسیم شده بوده است. اگر بپذیریم که این محوطه دو بخشی بوده است، می‌توانیم فضائی را تجسم کنیم که مسافران بسیاری آن را به طور کامل شرح داده‌اند. (همان، ص 25) نکته‌ای که زاره در ادامه‌ی این مطلب می‌افزاید بسیار حائز اهمیت است. وی بلافاصله بعد از اتمام مطلب فوق می‌نویسد: فضائی که نمی‌توانیم آن را مشابه هیچ مکان بازمانده‌ی دیگری بدانیم. (همان، ص 25) چنان‌چه بخواهیم آن‌طور که مد نظر زاره است، حیاط ورودی را به دو بخش شمالی بزرگ‌تر و جنوبی کوچک‌تر تقسیم کنیم، باید توجیهی فنی بر این تقسیم حاکم باشد. کم‌عرض بودن این محوطه و امتداد شمال‌شرقی – جنوب غربی آن، امکان این امر را از نظر فنی مشکل و غیر عملی می‌نماید.

توضیحات اولناریوس در سفرنامه و علی‌الخصوص نقشه‌ی وی، به وجود حیاطی در سمت دیگر بقعه صحه می‌گذارد و همان‌طور که پلان تهیه شده از طرح مزبور نشان می‌دهد (تصویر 4-4)، حیاط مورد نظر اولناریوس در سمت جنوب غربی بقعه واقع بوده است. در صورتی‌که حیاط مشجر (C) مورد اشاره‌ی زاره در سمت شمال غربی ساختمان‌های بقعه قرار داشته و دارد. بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که: محوطه‌ی توصیف شده توسط اولناریوس، با خیابان کنونی شیخ صفی که از چهارراه امام تا میدان عالی‌قاپو امتداد دارد منطبق بوده و احتمالاً بقایای برخی از دیوارها یا دروازه‌های آن در زیر لایه‌های آسفالت و خاک این خیابان مدفون باشد.<sup>11</sup>



تصویر - 6

نمای پرسپکتیوی به نمایش درآمده توسط اولناریوس نیز طاق‌نماهایی را که محل نشستن دست‌فروش‌ها بوده به وضوح نشان می‌دهد. تصویر - 7



تصویر - 7

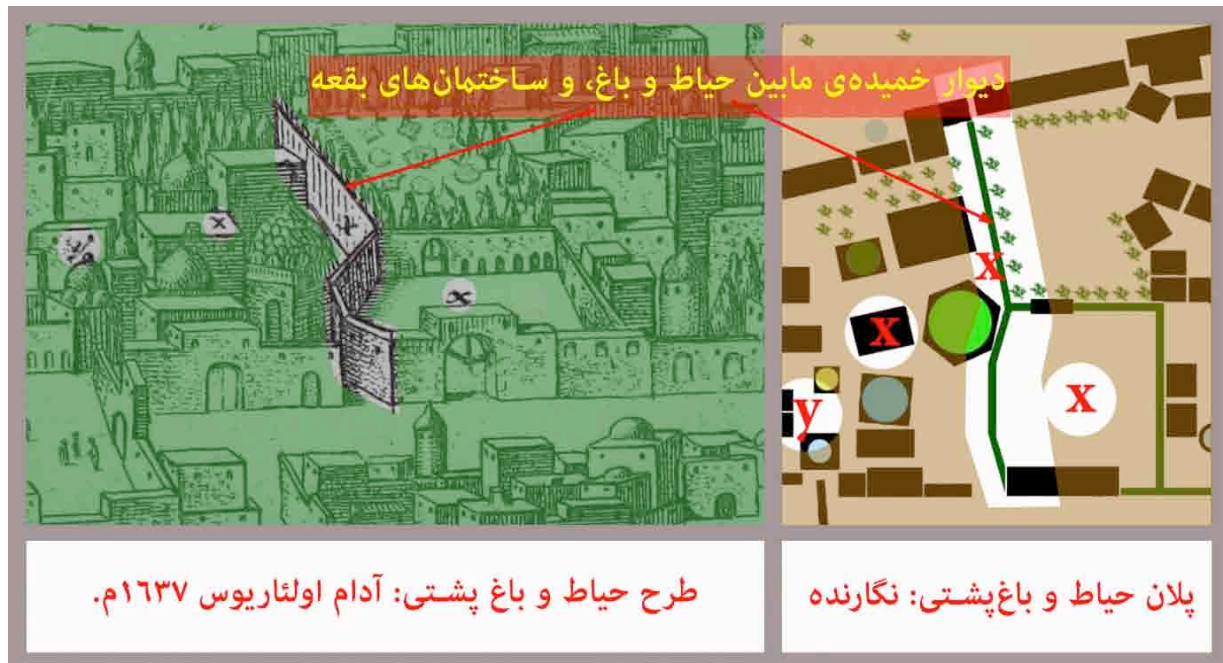
همان‌طور که از تصویر فوق برمی‌آید، در امتداد حیاط و باغ مورد نظر اولناریوس، 3 دروازه وجود داشته که در بالای هرکدام زنجیری به شکل عمودی و افقی که حالتی شبیه لنگر را تداعی می‌کند آویزان بوده است. همچنین طاق‌نماهای طراحی شده در حاشیه‌ی حیاط، هرگونه شبهه‌ای را در رابطه با جای‌گاه استقرار افرادی برای دست‌فروشی از بین می‌برد. تصویر - 8



تصویر - 8

بنابر این تلاش بر تطبیق حیاط ورودی مشجر توسط فردریش زاره، با حیاط مورد نظر اولناریوس عجولانه و بی‌مورد بوده است.

مورد دیگری که در رابطه با طرح دیوار زاویهدار مابین گنبدها و حیاط و باغ قابل طرح است، راست نبودن دیوار و داشتن 4 خمیدگی در مسیر است که با توجه به وجود خمیدگی در خیابان همجوار بقعه، که به خیابان شیخ صفی موسوم است، نشانه‌هایی از بقایای دیوار مزبور را می‌توانیم ملاحظه کنیم.



#### تصویر - 9

احتمالاً خمیدگی خیابان همجوار بقعه که به خیابان شیخ‌صفی موسوم است از خمیدگی همین دیوار حکایت داشته و یادمانی از فرم دیوار حیاط و باغ مزبور باشد. (رجوع به تصویر - 6)

**یافته‌های باستان‌شناسی، مرتبط با ساخت و سازهای موقعیت حیاط و باغ مطروحه در طرح آدام اولناریوس:**

گزارشی که از دیوار مکشوفه در عرصه‌ی بقعه‌ی شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی، در تاریخ 25 تا 27 تیر 1374 توسط اعضای گروه بررسی، آقایان: سید محمود موسوی، مهندس عادل فرهنگی و مهندس محمد مهریار ارائه شده است، به وجود دیواری در امتداد عرض حیاط اول (در وضعیت امروزی) اشاره و جزئیات آن را تشریح کرده‌اند.

بخشی از گزارش مربوطه چنین است: سطح کاشی‌کاری شده‌ی دیوار مکشوفه در امتداد عرض حیاط اول و نمای آن رو به داخل حیاط اول (وضعیت امروزی) است و در گوشه‌ی جنوب شرقی حیاط اول قرار دارد. امتداد دیوار و سطح کاشی آن رو به سمت خیابان ادامه دارد. (اراضی جنوبی حیاط اول) سطح کاشی‌کاری شده‌ی سومین دوره از ساخت و سازهای باقی‌مانده در گوشه‌ی جنوب شرقی حیاط اول است و تنها طاق‌نماهای موجود حیاط اول، جدیدتر از آن به‌نظر می‌رسد و هرچند که در موضع دیوار کاشی شده تنها چهار دوره‌ی ساختمانی در میان برش‌های موجود قابل تشخیص

است و کسب اطلاعات بیشتر تنها با کاوش در این حوزه امکان پذیر است، اما با توجه به امتداد آن به سمت دروازه محوری حیاط اول به حیاط میانی و در فضای چلهخانه دوره‌های متعددی از ساخت و سازهای دیوار حیاط و رواق شمالی چلهخانه به چشم می‌خورد که تعیین اولویت در ساخت و شکل‌گیری پوسته‌های هر دوره نیاز به صرف وقت و کنجکاوی موشکافانه همراه با نقشه‌برداری دارد. با این همه در بررسی‌های چند نکته‌ی درخور توجه، قابل اشاره به‌نظر می‌رسد.

در بند 1 این گزارش در رابطه با دیوار مزبور چنین آمده است: با توجه به راستای دیوار حیاط اول، در دو سمت دروازه‌ی محوری حیاط میانی [حیاط چلهخانه]، احداث دروازه حیاط میانی، جدیدتر از دیوار کاشی‌کاری شده است. آن‌چنان‌که احداث این دروازه با تحولات عمده و تغییر طرح معماری فضای حیاط اول، چلهخانه و حیاط میانی همراه بوده است. این گزارش به متفاوت بودن ساختار حیاط اول نسبت به آنچه که فردریش زاره آن را مورد بررسی قرار داده، اشاره‌ای مستقیم دارد.

در بند 2 گزارش مزبور چنین آمده است: ارتفاع بیشتر سطح کاشی‌کاری شده دیوار مکشوفه، از دروازه‌ی میانی و ساخت و سازهای موجود در چلهخانه و گوشه جنوب شرقی حیاط اول حاکی از وجود واحدهای معماری رفیع و رسمی است که با تغییرات زمان احداث دروازه محوری حیاط میانی از مجموعه حذف شده است. نکته مهمی که در بند 3 این گزارش ارائه شده است در همین رابطه بسیار مهم و حائز اهمیت است. در این بند عنوان شده است: چنین به نظر می‌رسد که فضای واحد معماری مربوط به دیوار کاشی‌کاری شده از موضع گوشه‌ی حیاط اول به سمت بیرون از محوطه‌ی حیاط امروزی ادامه داشته باشد و مانده‌های مربوط به این واحد معماری و مفصل ارتباطی آن را با مجموعه شیخ صفی‌الدین می‌بایست در گوشه حیاط اول و به‌خصوص خارج از حیاط جستجو نمود.

بند 4 این گزارش نیز به وجود فضائی خارج از محوطه‌ی بقعه اشاره‌ی صریح دارد. در این بند چنین آمده است: نظر به همجواری دیوار کاشی‌کاری شده با فضای چلهخانه، مشخصات معماری این واحد تازه یافته را می‌بایست مفصل ارتباطی میان فضای بیرون از مجموعه با حیاط اول و چلهخانه دانست و در فضای جنوبی آن کاوش نمود. هرچند کاوش‌های سال‌های بعد پرده از برخی ساخت و سازها برداشت؛ اما تفکیک سنوات ساخت و ساز و روال تغییر و تحول در طی سال‌های متمادی پیشین می‌تواند به تأیید یا تردید وجود محوطه‌ای با مشخصات یاد شده در این مقاله بیانجامد.

### نتیجه گیری:

بر اساس شواهد و قراین، و نقشه‌ی ارائه شده توسط آدام اولناریوس، وجود ساختاری خارج از محوطه‌ی فعلی بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی قطعی و حتمی بوده و غیرقابل تردید است. هرچند ساختار محوطه‌ی مزبور در زمان شاه‌صفی به صورت حیاط و باغ با دیوارهایی دارای طاق‌نما و دروازه‌های متعددترسیم و توصیف شده است و فاقد بناهایی می‌باشد، که در حفاریات اخیر کشف شده است؛ اما با توجه به کیفیت و روش ترسیم نقشه توسط اولناریوس، احتمال این‌که بناهای مزبور را در زمان ترسیم نادیده گرفته باشد، بسیار ضعیف است. احتمال می‌رود برخی از بافته‌های مزبور همانند دروازه‌ی ساخته شده توسط اسمعیل نقاش اردبیلی در سنه‌ی 1057 ق. در زمانی بعد از دوران شاه‌صفی ساخته شده باشد.

## پی نوشت‌ها:

1. تعداد دقیق طرح‌های آریوس مشخص نیست. چر اکه در ترجمه‌های متعدد از سفرنامه وی، آثار متفاوتی ارائه شده است. نگارنده.
2. طرح اول به سال 1683 م و 2 طرح بعدی که گویا توسط خود وی با تغییراتی اندک استتساخ شده‌اند، یکی به سال 1719 م و دیگری 1721 م می‌باشد. نگارنده
3. مبنای اولین نقشه رسمی از اردبیل، که در سال 1342 ش منتشر شده است. نگارنده
4. سفرنامه پیتر و دلاواله، ترجمه شعاع‌الدین شفا، ص 20
5. به نظر می‌رسد متن مزبور، اولین متن تحلیلی مکتوب از بقعه شیخ‌صافی‌الدین اردبیلی باشد.
6. نگارنده در این مباحث از نظرات جناب آقای مهندس منصور کرمزاد هشیروانی کارشناس ارشد معماری بهره‌مند بوده است.
7. نگارنده در موارد مرتبط با یافته‌های باستان‌شناسی، از مشاوره جناب آقای دکتر حسن یوسفی بهره‌مند شده است.
8. متولد 1603 م. در آئرش لینه و لشتاین آلمان و استاد دانشگاه لایپزیک. وی از طرف فردریک سوم، به همراه هیئت تجاری، به عنوان دبیر کل این هیئت به مسکو و از آنجا به ایران فرستاده شد. در دهم آوریل 1637 م وارد اردبیل شد، (اولناریوس آدام، سفرنامه، ترجمه کرد بچه حسین، ص 483) و در تاریخ دوازدهم ژوئن 1637 م. اردبیل را به مقصد سلطانیه ترک کرد. (اولناریوس آدام، سفرنامه، ترجمه بهپور احمد، ص 138) در مدت اقامت خود در اردبیل که حدود 3 ماه طول می‌کشید یادداشت‌ها و طرح‌هایی از اردبیل تهیه کرده و از خود به جای می‌گذارد.
9. در ترجمه راهنمای نقشه اولناریوس، نگارنده از راهنمایی‌های استاد ارجمند جناب آقای عبادالله ممی‌زاده کارشناس ارشد زبان‌شناسی بهره‌مند بوده است.
10. احمد بهپور در ابتدای سفرنامه اولناریوس، برای کمک به فهم دقیق‌تر مطالب کتاب، مقیاس‌ها و معیارهای مورد استفاده اولناریوس را آورده و در ارتباط با مقیاس قدم یا پا، مقیاس زول (Zoll) را آورده و توضیحی به قرار زیر ارائه کرده است:  
زول (Zoll) = معیار منسوخ آلمانی برابر با 1/10 یا 1/12 فوت. هر فوت یا پا برابر با 30/48 سانتی‌متر با توجه به معیار فوق، ابعاد میدان مورد توصیف اولناریوس چنین خواهد بود:  
عرض  $m \ 300 * 48/30 = 72/45$  و طول  $m \ 300 * 48/30 = 44/91$
11. تصویر ارائه شده و موقعیت حیاط مورد اشاره در خارج از محوطه نسبت به بقعه، نسبی بوده و به علت نبود مشخصات فنی دقیق، قابل تغییر و اصلاح است.

## فهرست منابع :

- 1- دلاواله – پیتر، سفرنامه، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1370
- 2- اولناریوس – آدام، سفرنامه، جلد دوم، ترجمه مهندس حسین کردبچه، انتشارات کتاب برای همه، 1369
- 3- اولناریوس – آدام، سفرنامه مسکو و ایران، ترجمه احمد بهپور، روتن ولونینگ، 1363، برلین شرقی
- 4- زاره – فردریش، اردبیل بقعه‌ی شیخ صفی، ترجمه صدیقه خوانساری موسوی، فرهنگستان هنر، تهران، 1385

## مقالات:

- 1- رضازاده – مجتبی، تحلیلی بر اثرات احداث اولین خیابان شهری در بافت کهن اردبیل (توسط رضا خان)، معماری و فرهنگ، شماره 48، 1391، تهران

## اسناد:

- اعضای گروه بررسی دیوار مکشوفه در عرصه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، مهندس محمد مهریار و همکاران، نامه شماره 12/1973 مورخ 1374/4/11

---